

◇ فصلنامه علمی پژوهشی زن و فرهنگ

سال هفتم. شماره ۲۷. بهار ۱۳۹۵

صفحات: ۷۱-۵۵

تاریخ وصول: ۱۳۹۴/۵/۱۷ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۹/۲۹

## تحلیل عرفانی نقش زنان در نخستین حماسه انگلیسی «بیوولف»

پوشپا ویکه \*

### چکیده

«بیوولف» قدیمی ترین حماسه انگلیسی است که در قرن هشتم میلادی به زبان انگلیسی باستان نوشته شده است. شاید این حماسه، کهن ترین اثر بزرگ در زبان های جدید اروپایی باشد. هدف این پژوهش یافتن اصول اخلاقی و کاربرد آن در سلوک عرفانی در زندگی بشر نخستین است. در بسیاری از سرزمین های جهان، زنان همواره یکی از عناصر اصلی نهضت های رهایی بخش به حساب می آیند که دوشادوش مردان جنگیده اند تا سرنوشت ملت خود را رقم بزنند. در این حماسه شخصیت شش زن به اشتراک گذاشته شده که هر کدام از آنها نقش های متنوعی را در طول این حماسه دارند. تجزیه و تحلیل دقیق بیولف نشان دهنده ی ارزشهای عرفانی و چگونگی شخصیت زن به عنوان موضوع اصلی در داستان و جامعه ی آن زمان در شعر است. تجزیه و تحلیل شخصیت زن از دیدگاه های مختلف در بیوولف قطعا نشان می دهد که چگونه با عرفان و خصوصیات اخلاق و ارزش ها تعبیه شده است. با وجود اینکه این حماسه تحقیق کامل قهرمانانه دوره انگلوساکسون است، برخی از شخصیت های زن بخشی جدایی ناپذیر از طرح کل شعر می باشد.

کلید واژگان: عرفان، حماسه، بیوولف، شخصیت زن.

## مقدمه

«حماسه» در لغت به معنی دلاوری و شجاعت است، از قدیمی ترین و مهیج ترین انواع ادبی است. حماسه شرح تاریخ قبل از دوران تاریخی است. از این رو حماسه هر ملتی بیان کننده آرمان های آن ملت است و مجاهدت های آن ملت را در راه سر بلندی و استقلال برای نسل های بعدی روایت می کند (شمیسا، ۱۳۸۹، ۵۹). «بیوولف»<sup>۱</sup> به عنوان حماسه ادبی آنگلو ساکسون سرشار از عرفان است که درباره زندگی کافران اسکاندیناوی که در تاریخچه، داستان های عامیانه و اسطوره شناسی ریشه دارد را توضیح میدهد. بیوولف حماسه ای شفاهی است که سرشار از اعداد و حیوانات و طرح های عرفانی دوره بت پرستان بوده، همچنین از عرفان مسیحی برخوردار است. بیوولف در واقع کشف کیفیت عرفانی روح و ارزش های انسانی است.

شخصیت اصلی این داستان یعنی «بیوولف» جنگاوری تمام معناست. از نظر جسمی نیروی خارق العاده و ماورای تصور بشری دارد و دارای فضائل اخلاقی خاصی است که به شخصیت خود استحکام خاصی می بخشد. او در صدد است جهان را برای رفاه آدمیان به مکانی امن تبدیل کند تا جایی که با استقبال از مرگ به کمک دیگران می شتابد. اجتماع اشرافی دوران بیوولف شامل سلحشورانی بوده که پیرامون پادشاهی گرد می آمدند. جنگ، پیشه اصلی نجیب زادگان بود و شرکت در جنگ ها از افتخارات هر جنگجو شمرده می شد. اینان برای پادشاه کشور گشایی می کردند و یا از حریم و مرز کشور دفاع می کردند. «آسیب پذیری بیوولف نیز به مضمون اصلی حماسه یعنی فریبندگی دنیا و وابستگی به مال و جاه آن باز می گردد. این فریبندگی به دنیا در بین بیشتر صاحبان قدرت حماسی دیده می شود و پهلوانان نیز از این قاعده برکنار نیستند. اگرچه چنین به نظر می رسد که بیوولف گنج های به دست آمده را بین نیازمندان قسمت می کند و یا به پادشاه هدیه می دهد اما در حقیقت سهم عمده این گنج ها از آن خود اوست. چرا که پس از کشتن دیو ماده و به دست آوردن دوازده گنج، وجهه ای متفاوت از قبل می یابد و مانند یک شهریار زندگی می کند و سال ها بعد با این ثروت و شجاعت به شهر یاری می رسد.» (حاتم پور، ۱۳۸۸، ۶۱)

## ادبیات پژوهش

در اواخر قرن نوزدهم عرفان یکی از رایج ترین موضوع های اصلی تحقیق بود، تا حدودی به دلیل توسعه روانشناسی و تا حدودی به دلیل مطالعه تطبیقی دین که پدیده های مشاهده شده بود و در سراسر فرهنگ ها مقایسه شد. چهره های کلیدی در این بورس تحصیلی، اولین آندرهیل<sup>۲</sup> (۱۹۲۲): فردریش بارون فون هوگل<sup>۳</sup> بود. هوگل معتقد است که عرفان به معنای پیوستن به خدای متعال است؛ در حالی که آندرهیل اعتقاد دارد عرفان، نوعی روش زندگی عارفانه است که دارای چند

۱. Beowulf

۲. Underhill

۳. Friedrich Baron Von Hugel

حالت روانی متشکل از چند مرحله است میباید. این مراحل را در عارفان ادیان گوناگون از زمان ها و مکان های مختلف میتوان مشاهده نمود. آندرهیل و فون هوگل روشن کردند که عرفان به عنوان یک عنصر اساسی در همه ادیان است. با این حال نظر آندرهیل این است که: «...عرفان واقعی منفعل و نظری نیست بلکه عملی و فعال است». این فرآیند زندگی است که شخص با تمام وجود به آن عمل می کند نه آنچه که به عنوان عقیده در نظر دارد. نظرات آندرهیل (۱۹۹۲) در اینجا آشکار است. به ویژه هنگامی که رفتار، افکار، عبادت و شخصیت زن، سنتز جدید در راه های نمادین ایفا می کند. مفاهیم انرژی مثبت، منفی، خوب و بد را می توان در اینجا ذکر نمود. تقریباً تمام سنت های شناخته شده دارای دوچهره و ترکیبی از ارزش های مثبت و منفی مانند: سنت "خیر" و "شر" است. نسخه های مدرن روانی انرژی مثبت و منفی از دو نگرش متفاوت است. این گفته نیز درباره دیگر ادیان جهان صحت دارد. غیر از تمام این مفاهیم مذهبی، می توان گفت عرفان مشابه با کلام مازلو<sup>۱</sup> است که می گوید: «عرفان تجربه ای والا است که انسان را از سطوح عادی به سطوح فراتر می برد.» (مازلو، ۱۹۴۳، ۳۷۰-۹۶)

شعر مشاهده از طریق مطالعه انسان شناختی و فرهنگ جوامع اسکاندیناوی از آن دوران باستان است، اما وقتی زیر ذره بین برده می شود، مناظر جدیدی درباره شخصیت زن گشوده می شود که دارای رنگ های پر جنب و جوش و نشاط انگیز هستند و آنها فقط چهره های حاشیه ای و یا زیر دستان سرکوب شده توسط پادشاهان یا سایر مردان نیستند. از آنجا که ادبیات قدرت جذب کل جامعه را دارد، می توان ویژگی های مکمل شخصیت زن را در نظر گرفت، صرف نظر از آنکه برخی از آنان اصل و نسب هیولایی دارند. ویلتیو<sup>۲</sup>، هیج<sup>۳</sup>، فیواریو<sup>۴</sup>، هیلدبر<sup>۵</sup>، مادر گرندل<sup>۶</sup> و تریث<sup>۷</sup> از شش شخصیت اصلی زنان که بخشی جدایی ناپذیر از داستان اند طرح و بررسی می شود.

### نقش زن در ادبیات جهان.

مسأله زن، شخصیت، جایگاه و موقعیت او در خانواده و جامعه از جمله مسائلی است که همانند سایر موضوعات فرهنگی، اجتماعی در آینه ادبیات و فرهنگ ملت ها انعکاس پیدا می کند و نگرش فردی و اجتماعی پدید آورندگان آثار و جامعه را بازگو می کند و نشان می دهد آنها با چه دیدی به مقوله زن می نگرستند. در بسیاری از سرزمین های جهان، زنان همواره یکی از عناصر اصلی نهضت های رهایی بخش به حساب می آیند که دوشادوش مردان جنگیده اند تا سرنوشت ملت خود را رقم زنند. زن در دنیای امروز چه بصورت مضمون اثر و چه به صورت آفریننده آن

۱. Mazlo

۲. Wealhtew

۳. Hygd

۴. Feawaru

۵. Hildeburh

۶. Grendel

۷. Thryth

، جایگاه بسیار والایی در جهان بدست آورده است. «زن در تمام موقعیت های متفاوت این دنیا جایگاه شامخ خود را نمایان کرده است و از آغاز پیدایش، آسوده از زمان و مکان و نژاد و رنگ و آیین، بار مسئولیتی ویژه را بر دوش داشته است. زایش، پرورش انسان و به رشد رسانیدن، این بخشی از زندگی زن است. این که زن موجودی والا است، در پذیرفتن آن چون و چرایی نیست و در حقیقت، هویت جویی برای زن، بیش از تصویری است که حق اوست و این شناخت باید در این قرن پر هیاهو انجام گیرد.» (منصورنژاد، ۱۳۰، ۱۳۸۱-۱۵۵) به طور کلی می توان گفت: «زن» یکی از پر بسامدترین و شاید ارزشمندترین درونمایه هایی است که نویسندگان و صاحب نظران سراسر دنیا به آن پرداخته اند. موثر بودن نقش زن بر روند تصمیم های جهانی در طول تاریخ بشریت، بر اساس براهین عقلی و تاریخی و ادبی و دینی، از ضروریات بررسی جایگاه او در جوامع بشری به حساب می آید.

### شخصیت زنان در حماسه بیوولف

حضور زنان و عرفان آنان در حماسه های جهان خصوصا در اولین حماسه انگلیسی «بیوولف» به خوبی نمایان است. حماسه بیوولف به تصویر کشیدن رفتارهای رایج زنان، از عرفان که در آن عرفان زنانه، رنگ و اعداد است که از افسانه های قبل از دوران مسیحیت و اسلام بر آن اثر گذاشته است را نیز به تصویر کشیده است. اگرچه مبدا دقیق پیدایش عرفان، جنس اعداد و رنگ شناخته شده نیست، اما مسلم است که این سنت قبل از ظهور و پیدایش ادیانی همچون مسیحیت و اسلام به صورت متنوع و گسترده در ادبیات جهان وجود داشته و به ایفای نقش پرداخته است. شعر با جزئیات قابل توجه آن به بررسی عمیق از سن قهرمانانه و مرکزیت شعر است و بدون شک تعلق به زنان دارد. ادبیات این قابلیت را دارد که شبکه های مختلف جامعه و اشکال نسل های زندگی را به تصویر بکشد که چنین تفسیر های نو آورانه در مورد شخصیت زن ممکن است. توجه به نکات بالا باعث خواندن دقیق بیوولف و در نتیجه باز شدن دیدگاه های جدید و ایجاد زمینه ای برای انتقاد از تفسیر شخصیت زن و مقایسه دیگر دیدگاه ها تا کنون با بیوولف میشود.

تجزیه و تحلیل دقیق بیوولف نشان میدهد که چگونه شخصیت زن به عنوان موضوع اصلی در داستان و جامعه آن زمان در شعر ارائه شده است. در این حماسه شخصیت شش زن به اشتراک گذاشته شده که هر کدام از آنها نقش های متنوعی را در طول داستان و ماجرا جویی این حماسه دارند. این نقش های متنوع از مهماندار سنتی معمولی گرفته تا انقلابیون بودند. همچنین تحول و وارد شدن یک شخصیت زن اژدها به فضا و ارزش های جدید که تا آن زمان فقط شخصیت های مرد به آن راه می یافتند. با توجه به عناصر جهانی از عرفان که متحد و نقطه اشتراک همه ادیان جهان از جمله الحاد، عرفان و تلاش برای الهیت یا اتحاد با خدا است (والتر، ۱۹۶۰، ۲۴۰)

آنچه که معانی مذهبی داده شده است عرفان را میتوان به عنوان یک پیگیری فلسفی موجودات

فانی به درک حقیقت هستی و نیکی و در نتیجه تجربه که سعادت نهایی است تعریف کرد. بر اساس عرف و سنت آنگلساکسون، ولتیو به عنوان مهماندار در سالن پذیرایی پادشاه نفوذ داشت. ولی آن زنان وارد وظایف خاص مردانه می شوند که تا آن زمان در الگوی رفتار طبیعی زنان وجود نداشت. ولتیو ملکه دانمارک و همسر هر و تگر<sup>۲</sup> در یک شخصیت مهم در بیوولف به تصویر کشیده شده است. چون ماجراهای بیوولف و رویدادهای دیگر مربوط به آن حاصل از تاثیر این شخصیت ولتیو بوده است، نقش او اجتناب ناپذیر است. او دارای یک نام عجیب و غریب برای ملکه که از زبان کلت به معنی زن خدمتکار برگزیده شده است می باشد و نمیتواند به طور کامل او را به عنوان یک زن خدمتکار به حساب آورد. او به عنوان فریتا سیب فولتا<sup>۳</sup> به معنای «برقراری صلح و ارتباط بین ملت ها» توسط خود بیوولف خطاب شده است. او بسیار محترم و سلطنتی و نماینده پادشاه قصر هر و تگر بود و جواهر و جامه او نشاندهنده قدرت او بود. هر چند این توضیحات ارتباطی با عرفان ندارد، شخصیت این ملکه مثالی برای رفتار ملکه در صحنه جشن های قصر او بود. او با نقش برقرار کننده صلح و مقررات پذیرایی و توزیع نوشیدنی را بر اساس درجه اجتماعی انجام میداد و همچنین توانایی حل و فصل و حفظ اختلافات داخلی را داشت. شخصیت زنانی مانند هیلدبرد<sup>۴</sup> فری و ارس<sup>۵</sup> به عنوان شکست خورده صلح کننده نامیده میشود. این طبیعی بود که او را به عنوان انجام دهنده قوانین صلح در عصری که جوامع برای قدرت و ثروت و عدالت با یکدیگر درگیر میشوند، انتخاب میکنند. به جای برچسب زدن آنها به عنوان "شکست خورده صلح" این شخصیت سزاوار همدردی است، زیرا توانایی این را داشتند که همراه با رنج کشیدن بین دو گروه خاندان خود و گروه دیگر خانواده ای که با آنها وصلت کرده بودند، ارتباط برقرار کنند (دنالدسن<sup>۶</sup>، ۱۳، ۲۰۰۲-۱۲).

برخلاف این شخصیت ها مادر گرنندل و ثریت «میزبان» و «سازشگر» نبودند. این دو شخصیت مقام و اعتبار متفاوتی دارند که از طریق ازدواج با خانواده های بالاتر یا خدمات بهتر بدست نیآورده اند. مودیریت، یک شخصیت است که اغلب به عنوان پره، متکبر و کسی که به طور مستقیم در خشونت درگیر است، نشان داده شده است. در خطوطی از شعر مانند «ملکه بزرگ مودیریت مرتکب اشتباهات و حشتناک شده است» که اغلب به عنوان یک شخصیت زن خشونت آمیز اشتباه گرفته شده است. حال این سوال پیش می آید چرا او مرتکب خطاهای و حشتناک است؟ این نیاز به تحلیلی دوباره دارد. به همین دلیل است که او نسبت به دیگران به جز صاحبش متکبر است. این بیانگر شخصیت یک زن واقعی آن زمان است مودیریت. به نظر میرسد یک زن آزادی خواه مدرن در برابر مردانی است که از زن سواستفاده میکنند «به چهره او نگاه کنید اگر چشم او خیره شد ...»

۱. Wealhtheow  
 ۲. Hrothgar  
 ۳. Fritha-sibfolta  
 ۴. Hilbord  
 ۵. Freawarce  
 ۶. Donaldson

این نوع کلمات شاعر پیر پیشین را اگر به طور سطحی بررسی کنیم دچار سوء تفاهم خواهیم شد. هیچکس برای زدن کسی به کسی مرتکب قتل نمیشود. تلاش شاعر گفتن این است که شخصیت فرد مردان غیر اخلاقی بوده است. اگر نگاه کسی فراتر از نگاه های دلسوزانه و مهربان به عنوان یک عزیز (پدر / برادر و...) باشد، آنها مستحق مجازات هستند. او به عنوان یک قهرمان زنان، مجازات کننده افراد سواستفاده گر است. همه اینها بیانگر این است که اگر او دست به کارهای خشونت آمیزی زد، کارهای او غیر عادی و ناعادالانه نیست بلکه مجازات ملکه در مقابل ستمگرانی است که به زنان ظلم میکنند. نسبت به شخصیت های ولتیمو و هیلدبور<sup>۱</sup> بدون استثناء به عنوان صلح ساز در نظر گرفته میشوند، ما نیز میتوانیم شخصیت مودیریت به عنوان صلح ساز انقلابی در نظر بگیریم. همچنین او اعتقاد داشت برای ایجاد صلح. پایداری نیروهای خلاف آن را حتی اگر به قیمت وارد شدن خشونت باشد، از بین برد. با وجود اینکه جامعه آنگلو ساکسون در مورد خشونت، انتقام و خونریزی استوار بود و نیز قانون جنگل را برای زنده ماندن دنبال میکردند اما همزمان با این، آنها بدبین بودند نشان نسبت به زنانی که در مقابل مردان ایستادگی میکردند. برای صدا زدن مودیریت از کلماتی چون (رفتارش زنانه نیست)<sup>۲</sup> استفاده میکردند.

شخصیت مودیریت بسیاری از مسائل را برای ما روشن میکند. همه اینها نمایانگر ظلم و ستم بسیاری به زنان است و کلماتی که مودیریت برای مقابله با مردان بد بوده است. این روشن است که حتی ملکه و زنان اشرافی نیز از دید مردان بد در امان نبودند. ما با اینها میتوانیم شرایط سطوح دیگر جامعه که بر اساس مردسالاری و قدرت مرد بودند را پیش بینی کنیم. سخنان مودیریت به مردان زمان خود به نحوی تهدیدی برای مردانی که ظلم و ستم در مقابل مردان در نظر گرفته میشد اما در واقع او دارای ویژگی های قهرمان زنان ستم دیده است. بر خلاف نظرات پژوهشگران، مودیریت شخصیتی خاص، مهربان و انقلابی دارد که زنان را حمایت میکنند و همچنین دیوی برای مردان مفسد بود. یکی از عواملی که انسان را در مورد شخصیت مودیریت کنجکاو میکند نام اوست که این کلمه ریشه در "قدرت" دارد. او شخصیتی دارد که اعمال دلخواه خود را انجام میدهد و همچنین حکم عدالت را صادر میکند. این در حالی بود که هیچ زن دیگری به قلمرو مردان وارد نشده بود. هنگامی که زنان دیگر تنها مردان را تحت تاثیر قرار میدادند و حق خود را به جامعه از طریق گریه کردن و تاسف خوردن می سپردند مودیریت به عنوان یک زن اسکاندیناوی در جنگهای صلیبی و یک شوالیه زن از افسانه های قرون وسطی عمل میکند.

مادر گرنندل عرفان زنانه و مادر بیوولف یک قهرمان عرفانی بی چون و چرایی برای بسیاری از افراد است. اما آیا این واقعیت برای مادر گرنندل صدق میکند؟ از دیدگاه مذهب مادر گرنندل شر است، اما یک عارف غرق در ارزش های عرفانی از آنجا که عرفان فقط به تنهایی دین نیست بلکه یک روش زندگی است. خوبی، مراقبت، محبت و خود گذشتگی بالای مادر گرنندل موقعی است

۱. Hildeburh

۲. Unqueenly, unwomanly

که انتقام پسرش را گرفته است که ما میتوانیم شاهد آن باشیم. ایستادگی درمقابل قهرمانان افسانه ای اسکاندیناوی برای یک زن کار ساده ای نیست و این در فرهنگ اسکاندیناوی پسندیده نبود.

پس آنچه که شخصیت و تلاشش را به اوج میرساند، چیزی نیست جز ویژگی های زن و عرفان مادری. از زمان بت پرستان به عصر «مادری» به عنوان یکی از ویژگی های عرفان ذاتی انسان حتی در میان ساختارهای اجتماعی پدر سالار و متعصب مذهبی که قوانین تبعیض آمیز علیه زنان به دنبال داشت، قابل احترام و قدر دانی است. بسیاری از ادیان بت پرست الهه های مادر را به عنوان خدای عالی خود میدانستند. با توجه به اساطیر یونانی گیاه خدای زن یکی از اولین خدایان بود. تمدن های مصری و رومی خدایان زن را میپرستیدند. الهه سیبل<sup>۲</sup> در آسیای صغیر برای پرورش ویژگی های زنانه از زنانی مانند اتیوپی ایسیس را به عنوان الهه حفاظت و مراقبت پرستش میکردند.

الهه های مهم مکه باستان، لات<sup>۳</sup>، عزی<sup>۴</sup>، و منات<sup>۵</sup> نمادی از مادر محترم و دارای خصوصیات زنانه بودند. اگر این خدایان برای مراقبت، درمان و ارتباط مادری و همچنین خدایان زنی که با خوی زنانه، حفاظت، مراقبت و تغذیه را دارا بودند، مورد ستایش بودند، مادر گرندل نیز شخصی است که برای خصوصیات عرفانی از خود گذشتگی، قربانی کردن نفس و مرگ قهرمانانه سزاوار عزت و احترام است. بنابراین مادر گرندل به عنوان یک ملکه و پادشاه قهرمان و تنها و بدون ظاهر سازی است که بالاتر از اینها یک قهرمان زن شهید است. کلیبر<sup>۶</sup> و برخی دیگر از محققان استدلال کرده اند که مادر گرندل یک جنگجوی زن است. در مورد سه مناقشه کلمه میگوید که این کلمه برای مادر گرندل و بیوولف استفاده شده است.<sup>۷</sup> در اولین مرجع این کلمه میتواند در مورد بیوولف یا مادر گرندل باشد. اگر شاعر و قهرمانان، خود این کلمه را به معنی "قهرمان" و یا "هیولا" احساس میکردند و در این صورت مادر گرندل مبهم خواهد بود و او یکی از گمنام ترین و مبهم ترین شخصیت زن در کل شعر است. زیرا اکثر شخصیت های زن دیگر را میتوان در زیر مجموعه کد جنس زن به جز ثریث<sup>۸</sup> طبقه بندی کرد. دشوار تر از آن این است که او یک انسان نیست بلکه موجودی است که حتی نامی ندارد. با این حال او حریف توانمند و ضد قهرمان عالی بوده که بیوولف مجبور به مبارزه با اوست. بیوولف یک جنگجوی عادی نیست اما اگر کلمه آنگلیکا<sup>۹</sup> را به معنای جنگجو در نظر بگیریم، این ایهام از بین رفته و ما میتوانیم هم مادر گرندل و هم بیوولف را به عنوان جنگجوی خوبی در نظر بگیریم.<sup>۱۰</sup> (کلیبر<sup>۹</sup>، ۱۹۲۲، ۱۵) مادر گرندل به عنوان یکی از پر

۱. Gaea
۲. Cybele
۳. Allat
۴. Uzza
۵. Manah
۶. Klaeber
۷. Thyrth
۸. Anglaeca
۹. Klaeber

طرفدارترین ایدس<sup>۱</sup> یا دیس<sup>۲</sup> که به معنی "بانو" در انگلیسی قدیمی و مادر گرنند آلمان و همچنین اسکاندیناوی قدیم بود، است.

برترین الهه ی سرنوشت در اساطیر نورس اسکاندیناوی بود. این الهه سرنوشت مانند کالی هندو اروپایی در اساطیر هند، هم خیر خواه و هم مخرب بودند. همچنین فرانک با تالگیا نیز اشاره کرد که "مادر گرنند همانند گفیون<sup>۳</sup> الهه ژرمنی که شکل دیگری از باروری خدایان فریجا<sup>۴</sup> و نرتوس<sup>۵</sup> بود. او میگوید: در شعر اسکالدیک<sup>۶</sup> کلمه دیس<sup>۷</sup> به معنای الهه است. فریجا همان وانادیس<sup>۸</sup> است که، خدایان باروری در اسکاندیناوی بودند." (باتالگلیا<sup>۹</sup>، ۱۹۹۱، ۴۴۶-۴۱۵) به نام گفیون پنج بار در شعر اشاره شده است که یک کلمه برای اقیانوس در شعر انگلیسی پیشین است، گفیون الهه زمین است که قدرت تقسیم شدن زمین و دریاها همانطور که در ادبیات نورس نشان داده شده است را دارد که برخی از استدلال تساوی استبدادی فرانک برای اثبات اعتبار است که مادر گرنند فقط یک هیولا نیست، بلکه یک الهه مادر است که جنگجوی اسکاندیناوی است.

این ماهیت قهرمانانه جنس زن و عرفان رانیز کوین کیرمن در مقاله «مادر قهرمان» ثابت کرده است. او استدلال میکند که "مادر گرنند هم عقیده و پذیرفته شده دشمن خونی بوده است اما تفاوت اصلی بین گرنند و مادرش این است که گرنند به جنگی بیهوده که دلیل آن فقط اذیت شدن از سرو صدای خوشگذرانی هروئت بود در حالی که مادر گرنند به جنگی میرود که دلیل منطقی آن گرفتن انتقام مرگ پسرش بود" (کیرمن<sup>۱۰</sup>، ۱۹۸۴، ۳۳-۱۳).

یکی دیگر از دلایل قوی برای حمایت از کیفیت شناخت زنانه زنان در بیوولف، به خصوص طبیعت زنانه مادر گرنند است که داستان یک جامعه که در آن جنگ امری روزمره بود، استقامت قهرمانانه از طریق شجاعت خود بدست می آوردند. اگرچه مادر گرنند یک مرد نیست ولی او ویژگی های عرفانی یک جنگجو که برای حق خود و محافظت از خویشاوندی است را داراست. او تا به حال یک دلیل واقعی برای مبارزه و شهرت و غنیمت قهرمانی دارد که قهرمانی اش را پایدارتر میکند. این عامل جذاب او را از دیگر انگلوساکسون های رزمنده دیگر متمایز میکند. با توجه به استانداردهای اجتماعی اسکاندیناوی از قهرمان پرستی و همچنین استانداردهای اخلاقی هر جوامعی که تاکنون وجود داشته است او قطعاً سزاوار احترام است. در دوره ای که موقعیت اجتماعی پایین زنان به بدنامی معروف شده بود، این زنان انگلوساکسون میتوانند توسط وفادار بودن به

۱. Ides

۲. Dis

۳. Gefion

۴. Freyja

۵. Nerthus

۶. Skaldic

۷. Dis

۸. Vanadis

۹. Battaglia

۱۰. Kierman

جامعه و انجام دادن نقش های واگذار شده به آنها به عزت و قدرت و منزلت برسند. پژوهشگرانی مانند گیلیان آورینگ<sup>۱</sup>، ادوارد ایروینگ<sup>۲</sup> و میکایل انری<sup>۳</sup> زنان را به عنوان قربانیان در مانده از جامعه طبقه بندی کرده اند. گیلیان آورینگ اشاره میکند که "زنان در بیوولف، هیولاهای نامشروع یا ملکه های صلح ساز همه آنها چهره های محروم هستند." (آورینگ، ۱۹۹۰: ۲۱۹)

بنابراین با توجه به ویژگی های جامعه اسکاندیناوی که به دلیل ضعف فیزیکی و ظرافت آنها و عدم دلاوری و شجاعت برای رهبری، رزمندگی و قهرمانی زنان را از طبقه اجتماعی محروم می دانستند.

تجسم مادر گرنلدبه عنوان جنگجوی ترسناک و قهرمان اسکاندیناوی که جرات مبارزه با پادشاه بیوولف قهرمان را داشته، نیازمند تاکید و ارزیابی است. با توجه به نورس و استانداردهای اجتماعی ژرمنی قدیمی او نه ضعیف است و نه ترسو و سزاوار تشویق است. شجاعت، کنترل ذهن و جرات مادر گرنلدبهتر از باسخت ترین قهرمانان است که هدف آنها در زندگی، جنگ، شهرت و غنیمت است که در اینجا دارای ارزش و یا حتی درجات بالاتر است. لازم به ذکر است که دانشمندانی مانند دوروتی کارپرت<sup>۴</sup>، ماریجان اسبرن<sup>۵</sup> و برایان مک فادن<sup>۶</sup> مقام های قابل توجهی به زنان اختصاص دادند. تاثیر مطالعات جنسیتی و آخرین نظریه های جامعه شناختی محققان را تحریک کرد که درباره جنبه های مخفی شخصیت زنان در ادبیات به تحقیق پردازند. این بینش جدید به شخصیت زن در بیوولف این واقعیت را نشان میدهد که آنها فقط «ابزار پادشاهان» و «بازیچه همسرانشان» بوده اند (کارپرت، ۲۰۰۱، ۵). شخصیت مادر گرنلد بهترین مثال از این اختلاف است. در حالی که زنان دیگر دارای وجود بیهوده و محکوم به فنا بودند، مادر گرنلد با این حال فراتر از سختی های اختصاص داده شده به زنان است. او در طرح کلی از شعر حائز اهمیت است.

کار دوروتی پرت میگوید: هدف ارائه این زن دعوت به یافتن تفاهم و تفاوت آن دسته از زنانی است که به عنوان مهماندار و برقراری صلح عمل میکنند، حتی در حالی که به دنبال منافع خود هستند، نقش اساسی در شعر دارند و درک درستی از عملکرد زنان در بیوولف به درک کامل شعر کمک میکند. آن دسته از زنان به عنوان هیولا، مهماندار خشمگین و جدالگر، جالب توجه اند و همچنین به عنوان نمونه ای ضد زن در خدمت به دیگر شخصیت های زن هستند. با وجود اینکه توسط مردان همه آنها تعریف شده اند که آنها متصل به فرزندان، پدر و پسرانشان بوده و هیچکدام از زنان بیوولف در حاشیه نبوده و حذف نشده اند. گرچه زمان تغییر کرده است و نقش زنان و وضعیت زنان دستخوش تغییرات فوق العاده ای از دوره آنگلو ساکسون تا به حال شده، زنان هنوز

۱. Gillian Overing  
 ۲. Edvard Irving  
 ۳. Michael Enrigh  
 ۴. Carr Dorthy  
 ۵. Marijane OsbOrn  
 ۶. Brian mc Faden

هم وضعیتی برابر با مردان در بسیاری از جوامع را ندارند. اما زنانی که از طبیعتی استثنایی، کیفیت و قدرت برخوردارند قابل احترام هستند و حتی در تمامی جوامع جهان بدون در نظر گرفتن مذهب، نقش و هویت مورد احترام هستند. از آنجا که از نظر جهانی در مورد شفا، وحدت و حفاظت مادری مسئولیتی وجود دارد، زنان هنوز هم نقش بسیار مهمی در خانواده به عنوان مادر ایفا میکنند. بنابراین بر اساس حقایق فوق، عرفان روح انسان، طبیعت خود فدا کردن، این زن جنگجو قهرمانانه و فداکارانه سزاوار برخورد و تصفیه بهتر در ادبیات جهان را دارد.

با توجه به ادیان موجود در جهان مدرن و احترام آنها به مادری، تفسیر مشترک از مادر گرنندل به عنوان تجسم خواسته های شیطانی نیازمند توضیحاتی است. با توجه به آیین هندو «شاکتی» نشاندهنده انرژی زنانه الهی است. اصطلاح «مهاتما» به معنی قدرت زنانه در کتاب مقدس ریگ ودا استفاده شده است، پس «شاکتی» انرژی الهی از جهانی است که مربوط به هر دو دنیای روحی و جسمی است. کیفیت عارف زنانه به حضرت مریم در مسیحیت نسبت داده شده و آن دوباره در سوره ای از قرآن کریم ذکر شده است. با در نظر گرفتن ویژگی های افسانه ای شخصیت زنان در بنیاد های اسطوره ای و مذاهب صحت و اعتبار در کیفیت عرفان شخصیت زنان در بیوولف فراهم میشود. ویژگی های یک عارف مانند شجاعت، مسئولیت، فداکاری، مرگ قهرمانانه و معمای برای ردیابی مقادیر عرفانی در بیوولف به خصوص در شخصیت مادر ایفا میکند. مادر به عنوان خالق، حامی و تجسم مراقبت است که اغلب در تمام ادبیات جهان به آن اشاره شده است.

تجلیل از ارزش های عارف از بیوولف قهرمان در این شعر آنگلوساکسون حدود ۷۰۰ میلادی نوشته شده است و به همین ترتیب مشتق لمس عارف از طریق مبارزه حماسی با شخصیت به همان اندازه مرموز زن یعنی مادر گرنندل بدست آورده است. اگرچه بیوولف با دو شیاطین دیگر مبارزه حماسی کرده مبارزه با مادر گرنندل با توجه به ارزش های عرفانی منحصر به فرد است. او با غلبه بر بسیاری از موانع و محدودیتهای ایستادگی در مقابل یک قهرمان در یک دوئل حماسی برای یک دلیل منطقی است. در کل او فقط یک جانور که بیوولف در یکی از ماجراهای خود با او روبه رو میشود نیست. بنابراین محدودیت های او مانند هیولا، زن، انتظارات اجتماعی آنگلوساکسون از انفعال جنس مونث، وجود غیر انسانی او و... توسط ویژگی های عرفانی ذاتی او پشت سر گذاشته شده اند.

به عنوان مثال: حس مسئولیت، شجاعت، مراقبت، طبیعت قهرمانانه، تواضع و... انگیزه های او را برای رویارویی با چالش های جنگجوی قهرمان آنگلوساکسون که با ارتش های عظیمی از جنگجویان افسانه ای پشتیبانی شده آماده کرد. مادر گرنندل یکی از شخصیت های منفی است که با جنگجو قهرمان بیوولف وارد جنگ میشود. اما نکته اصلی در اینجا است که حریر سرسخت قهرمان یک مرد نیست بلکه یک زن است و یکی دیگر از واقعیت های مورد توجه در مورد این شخصیت منفی این است که بر خلاف دیگر حریفان به او نامی تعلق نگرفته است. این ممکن است در ابتدا

مورد تعجب قرار گیرد اما از ویژگی های اصلی عرفان زنانه حمایت میکند. بنابراین مادر گرنندل میتواند همانند هر مادر دیگر یعنی هر زنی که در برابر موانع متعهد در برابر خود یا خانواده اش بایستد. دفاع حقوق زنان و همچنین عرفان در شخصیت او وجود دارد. حس مادری، او را به یک ناوشکن مخرب مانند الهه هندو "کالی" در موقع مواجه شدن با خشم، تبدیل میکند. عرفان پیشین اسکاندیناوی در حالی به اوج میرسد که مکانی که مادر گرنندل ساکن است را، به تصویر میکشد. آبهای تیره، سکوت تاریکی مطلق و... عرفان مکان را افزایش میدهند. اما آنچه که حماسه بیوولف را از دیگر شعرهای قدیمی انگلیسی متمایز میکند به تصویر کشیده شدن مادر گرنندل به عنوان جنگجوی زن معادل با اعمال قهرمانانه بیوولف است. با وجود عقیده ها و ارزش های بت پرستان در دنیای قهرمانان بوده و زنان اطاعت کننده و رنج دیده بودند، مادر گرنندل هاله ای از کیفیت عرفانی قهرمانان را دارا بود. در حالی که شخصیت های زن در غل و زنجیر به نقش قربانیان در مانده از جامعه هستند، مادر گرنندل در تصمیمات خود بر اساس ارزش ها و قدرت اراده خود عمل میکند. او با قهرمان قهرمانان مبارزه میکند اگر ادعای افتخار بیوولف یک جنگجوی واقعی که یا برنده شده و یا میمیرد باشد، بنابراین قهرمان واقعی آنگلو ساکسون، مادر گرنندل است.

### عشق و از خود گذشتگی

در تمام عرفان واقعی، از خود گذشتگی اساسی ترین و ضروری ترین آموزش و عمل به آنها است. قهرمان بیوولف، مانند شوالیه از افسانه های قرون وسطی، مومن، جوانمرد و پرمایه است. اما خصوصیات دارای اوج عرفان بیوولف و انگیزه های مادر گرنندل هر دو از شفافیت عرفان برخوردارند. حرف های بیوولف، گفتارهای عیسی مسیح را یادآوری میکند که وقتی از او پرسیدند: اولین و بزرگترین اعمال چیست؟ و او فرمود: شما باید با تمام وجود ذهنتان را دوست داشته باشید. بیوولف حتی وقتی که مرگ فرا میرسد، از مسئولیت های خویش کوتاهی نکرد. او خون سرد و جدی مبارزه میکند. واضح است که بیوولف متعهد و دارای خویشاوندی انسان است و مطلع از منافع اجتماعی، محبت احترام و تواضع است. بیوولف برای نجات کشور خود افتخار میکند و میخواهد دیگران را به خطر نیندازد. عمل او بر اساس اصول اخلاقی حاکم اسکاندیناوی است که کاملاً معنوی بوده همانطور که مادر گرنندل بود. مادر گرنندل برای دشمنان خویشاوندی خویش همانطور که بیوولف برای نجات کشورش جنگید، میجنگد. تمایز بین یک فرد عادی و یک فرد عارف این است که این فرد عادی به نزدیکی به خدا میانداشد در حالی که یک عارف خدا را درون خود تجربه می کند «عرفان یک آگاهی واحدهای خالص و یک اتحاد با خداست» (دایره المعارف<sup>۱</sup>، ۱۹۴۳، ۷۸۶)

بیوولف در جاهای مختلف این احساس را نمایش میدهد. این نیز در مادر گرنندل دیده میشود. مبارزه نهایی نمایانگر طبیعت فداکارانه بیوولف است. مثل همه مبارزات دیگر او با خطر بسیار بزرگی حتی با اژدهای مرگش به تنهایی روبرو میشود و مبارزه می کند. همانطور که در کتاب مقدس مسیحی

۱. Encycloepdia Britanica

آمده از خود گذشتگی بخشی از عرفان مسیحی است. این خصوصیات در مورد مادر گرنندل واقعیت دارد. مبارزه او با قهرمانان از خود گذشتگی او را آشکار میکند.

### دانایی و تبعیض

راه درست عرفان به معنی آن نیست که خود را به طور کامل فراموش کرده و یا معنویت بخش کامل خود و جهان باشد. همانطور که عیسی مسیح در بزرگترین مسیر فرمانی او میگوید: راه عرفان انکار بدن، قلب یا ذهن نیست، بلکه به طور کامل در اتحاد بودن با خداست. وقتی ذهن از مفاهیم خود و فعالیت ها خالی بماند، انتظار پیوستن روحش به خداوند بعد از مرگش را دارد. همانطور که سیمون ویل میگوید: «عشق به حقیقت به معنای تحمل سختی ها و پذیرفتن مرگ است.» (ویل<sup>۱</sup> و همکاران، ۱۹۹۷: ۱۱) مادر گرنندل توسط انگیزه های درونی با مرگ مبارزه میکند. مادر گرنندل مانند یک عارف با مرگ ملاقات کرد؛ در حالی که با همه عرفانشان نشان دادند که هیچ چیز نیستند ولی در واقع همه چیز هستند. با مواجهه با چالش های زندگی و مرگ بیوولف زندگی خود محور را فراتر از زندگی خود به منظور بیدار شدن به زندگی خدایی میدانند، این نشاندهنده عرفان قدیمی پیشین اسکاندیناوی و عرفان مسیحی است. جاودانگی قهرمانان برخی از عرفان پیشین اسکاندیناوی است. در حالی که رستگاری بخشی از عرفان مسیحی است، همانطور که عیسی مسیح در انجیل میفرماید: «برای هر کس که زندگی خود را از دست بدهد قطعاً به زندگی ای که خدایی است راه پیدا میکند و هر کسی که جان خود را فدا کرده حتماً آن را پیدا میکند.» زندگی عارف واقعی به خدا وابسته میشود هنگامی که به طور کامل در مرگ عرفانی قربانی شود.

### اصول اخلاقی و عرفان در حماسه

با توجه به ارزش های اخلاقی و عرفانی ارائه شده در حماسه بیوولف شهرت فردی معادل با رستگاری است. مرد خوب برای ارزش های خود می ایستد. مبارزه بابی عدالتی و مرگ برای کسانی که ارزش ها و انگیزه های آنها گرامی داشته شده، ارزش بنیادی عارف ذاتی در بیوولف است. هر چند شجاعتی که مادر گرنندل برای رسیدن به صحت دارد، به ندرت توسط منتقدان ذکر شده است. زندگی که غرق در عرفان باشد تنها نیازمند به عبادت دینی نیست که این در حماسه ثابت شده است. کسی میتواند زندگی کند که ارزش و تجربه شادی و سعادت را در خود بیابد. «بنابراین تجربه عرفانی فقط پوشیده از مذهب نیست.» (والتر، ۲۴۰، ۱۹۶۰) بر خورد بیوولف با مادر گرنندل با نابودی به پایان میرسد، مادر گرنندل خود را تبدیل به یک قهرمان سلحشور میکند، هر چند بیوولف را به عنوان یک قهرمان واقعی در نظر دارند. این نمایش نماد نوعی عبادت است. مادر گرنندل به طور متفاوتی با خداوند از طریق نماز، وظیفه، مسئولیت، شجاعت و عشق، با بستگان خود ارتباط برقرار میکرد. بیوولف جنگجوی پیشین و مادر گرنندل هیچگونه دین مشخصی ندارند. اما برای شاعر

۱. Simone weil

بیوولف، ارتباط با خدا از طریق شخصیت است که اخلاق قهرمانانه او قابل مشاهده است. سه مبارزه با سه موجودات غول پیکر منعکس کننده عرفان، معانی کتاب مقدس و نماد گرایی است. گرنندل از نسل قایل که به عنوان اولین مجرم شناخته شده است، در انجیل، با چگونگی مجازات خدا توسط سرگردان کردن به جرم قتل برادرش هایل ارتباط دارد. «قبیله هایل را به عنوان مجرم و بیگانه محکوم کرده اند.» این خطوط بدون شک انتقال کار چارچوب روحی و روانی ذهن گرنندل است. او با وجود اینکه طبیعت بیگانه یک مخلوق وحشتناک را دارا بود بر تمام مخلوقات و هیولاهای شر زیر آب حکمرانی میکرد. او همچنین نشاندهنده دوگانگی خاص و شر و یا به عبارت دیگر آنومالی از زنانگی است. مادران به عنوان الهه مادرند و به عنوان الهه مادر تقریباً در همه تمدن های باستانی پرستش شده اند. از زمان بسیار قدیم زنان با طبیعت دوئل همراه بوده اند. تصویر بت پرستان از زن به عنوان (مادر) پرورش یک واقعیت غیر قابل انکار است. تمدن باستانی مانند روم، یونان، مصر و تمدن آریایی (فارس و هندو) پرستش خدایان زن و به حال جادوگران زن که مفاهیم فرهنگی و وحدت وجود خود را همسان میپرستیدند.

عرفان در پس مقام بالای مادر است که انرژی کیهانی زنانه بوده که جهان توسط آن در حال حرکت است. این نظریه های قومی الهیت زنان و مادران حتی در جامعه مردسالارانه هم وجود داشت. فیثاغورث نظریه ارتباط اعداد خود را بر اساس ستارگان و اجرام نجومی و نظم آنها در کیهان، بنا نهاد (هوپر، ۱۹۶۹، ۴۵). هر نوع محیط فرهنگی که باشد، بعضی از اعداد عرفانی و کدهای عارفانه ذاتی آن فرهنگ در ادبیات آنها نفوذ میکند. عنوان عدد ۳ مظهر عرفان ویژه ای در بسیاری از ادبیات جهان است و آن در بیوولف قابل مشاهده است. یکی از ویژگی های خاص در مورد شماره سه در بیوولف این است که چندین بار تکرار شده و بیانگر یک عدد مونث است. مقدس بودن شماره ۳ بیوولف را میتوان در اساطیر اسکاندیناوی و ژرمنی دنبال کرد که در آن ۳ نشان دهنده سه رنگ اصلی رنگین کمان و سه خدای عالی اسکاندیناوی، اوتین، ثور و فرگ است. همانطور که هاپر میگوید این به عنوان بخشی از عرفان زنانه در بیوولف یعنی تریادیک<sup>۱</sup> اشاره میکند که الگوی جنسیتی در نظام خانواده است. مادر بخشی جدایی ناپذیر از عدد ۳ است از این رو آن شماره بخشی از عرفان زنانه میباشد. اعدادی مانند ۳ و ۹ برای تصویر کشیدن الگوهای خدایان تریادیک<sup>۲</sup> و الگوهای اجتماعی مانند روابط خانواده تریادیک و رویدادهای اجتماعی در نظام های باور استفاده میشود. رنگ مانند اعداد نیز جز سیستم های اعتقاد به بیوولف است. همانطور که بیرن<sup>۳</sup> اشاره میکند "باستان رنگ نماد گرای زیبایی شناسی بود ولی در واقع رنگ ریشه در عرفان

۱. Hopper  
 ۲. Othin  
 ۳. Thor and Freg  
 ۴. Triadic  
 ۵. Triadic Gods  
 ۶. Birren

دارد." (بیرن، ۱۹۸۸، ۱۱) رنگ های سیاه و سفید و زرد در بیوولف منشا در اساطیر نورس دارد که در آن رنگ سیاه یک رنگ مقدس است. سیاه به طور غیر مستقیم در بیوولف ذکر شده است و آن رنگ الهه موریگان هست که نشان دهنده مونث و عرفان است. در اسکاندیناوی آلمان و الحاد، سیاه یکی از رنگهای مقدس بسیاری از خدایان و الهه است که آنرا میپرستیدند. به عنوان مثال، موریگان الهه جنگ و به عنوان مرگ و نابودی است. که در قالب یک کلاغ سیاه قبل و در طول مسابقات جنگی ظاهر میشد که رنگ مقدس او سیاه است. در کل این رنگ تیره برای پیش بینی یک حادثه بد، فاجعه یا مرگ مورد استفاده قرار میگیرد از این رو زاغ سیاه بخشی از جنس زنانه و عرفان رنگ است. نمونه ای دیگر از عرفان رنگ، استفاده از رنگ به خصوص در نماد های جنسیتی زنانه در مفهوم ژرمنی از جهنم به عنوان سیاه، مکان سرد، دلتنگ کننده و سمی و حکومت توسط الهه من، یعنی ملکه مردگان، است. مادر گرنلدل در بیوولف دارای جنسیت زنانه است و این هیولا در آبهای تاریک، عمیق و تیره زندگی میکند و او به دانمارکی ها در تاریکی شب حمله میکند. رنگ شب سیاه است و آن نماد عارفانه از فاجعه یا مشکل است. یکی دیگر از ویژگی های این رنگ در بیوولف ریشه در اعتقادات مذهبی اسکاندیناوی دارد. همانطور که در سنت آلمانی و نورس دیده میشود، رنگ سیاه نیز در اعتقادات توحیدی تاکید میشود. همانطور که برین<sup>۲</sup> میگوید: «رنگ سیاه نشان دهنده مرگ و نابودی در انجیل آمده است.» (بیرن، ۱۹۸۸، ۱۱)

گرچه زمانی که بیوولف مادر گرنلدل را میکشد تاریکی شب به پایان میرسد. اما تاریکی و وحشت شب با آمدن مادر گرنلدل فرا میرسد. بنابراین عرفان زنانه و اعداد در بیوولف تکرار میشود. جالب است توجه داشته باشید که ترس و وحشت از تاریکی شب ها با یک هیولا به خصوص یک زن هیولا وجود دارد. این به رنگ عرفان زنانه در معابر که در آن رنگ های تیره به آن اشاره شد می افزاید. سیاه و خاکستری نماد نه تنها اعمال شریر از هیولا که آسیب جوامع بلکه نشان می دهد ظرافت، مراقبت های مادر و همچنین قابلیت های زنانه خود را به همان اندازه می تواند افضاح و مخرب نشان میدهد.

تلفیق سیاه و زرد (در سنت درویدیک<sup>۳</sup> خورشید یا رنگ طلا) در بئوولف قابل ملاحظه است. در حماسه انگلوساکسون اهمیت زرد از درویدس<sup>۴</sup> که اجداد جامعه قهرمانانه انگلیسی است که بیوولف را تولید کرده و برای پرستش خدایان بت پرست در نظر گرفته شده است. (کندریک<sup>۵</sup>، ۱۹۹۴، ۱۰۰) تاج رهبر روحانی نمایانگر اشعه خورشید و دروید معابد به راه آفتاب ساخته اند. (برین، ۱۹۸۸، ۲۸) از آنجا که درویدها زن هم بودند، رنگ زرد بخشی از عرفان زنانه است. مشابه به اهمیت اعداد و رنگ ها، تصاویر حیوانات به طور غیر مستقیم منعکس کننده سیستم های اعتقاد به بیوولف است.

۱. Morigan

۲. Birren

۳. Druidic

۴. Druids

۵. Kendrick

تصویر حیوانات یا به عبارت دیگر بیستری ۱۲ یک نوع از ادبیات است که در آن عادات جانوران، پرندگان و خزندگان متن تمثیلی و عرفانی با توجه به آموزه های دینی خود ساخته شده است. در بیستری اغلب ویژگیهای انسان به حیوانات نسبت داده شده است. بیوولف اولین حماسه انگلیسی، مظهر برخی از عناصر بیستری بر اساس اعتقادات اسکاندیناوی است. فالک<sup>۱</sup> و هریس<sup>۲</sup> ادعا میکنند که نام قهرمان بیوولف ممکن است از حیوانات زنبور عسل و گرگ سرچشمه گرفته و به معنی دار کوب یا خرس باشد، اما آنها نیز اشاره کردند که در «زنبور عسل»<sup>۳</sup> ممکن است از بئووا<sup>۴</sup> که اسم معروف اسکاندیناوی است سرچشمه گرفته باشد (فالک و هریس، ۲۰۰۲، ۱۸).

بئوواخدایی است که از میان آب ظاهر میشود. همچنین به خدای نورس یعنی جایی که قهرمانان را به تصاویر حیوانات نسبت میدهد اشاره میکند و یا همانطور که اورکارد<sup>۵</sup> میگوید این شاعر میتواند به عنوان بیو<sup>۶</sup> یا بیووا<sup>۷</sup> یا تفسیر شود (اورکارد<sup>۸</sup>، ۲۰۰۳، ۱۰۳). تصاویر حیوانی مانند گرنل، مادر گرنل و اژدها ممکن است تمثیل حیوانی نیز داشته باشد. در بیوولف گرنل و مادر او در هیولا یا اژدها که نشان دهنده شر در حیوان اسکاندیناوی قبل از مسیحیت است، هستند. اژدها در اساطیر نورس به عنوان مارهای غول پیکر مشاهده شده است. و مادر گرنل در بیوولف بخشی از عرفان حیوانات زنانه است. همچنین می تواند ادعا شود که گرنل، مادر گرنل و اژدها ممکن است در قبل از مسیحیت و زمان مسیحیت به شر اشاره کنند. ممکن است اشاره شود که بیوولف تساوی از نورس، سلتیک و نمادهای حیوانی ژرمنی است که قبل از تبدیل به مسیحیت وجود داشته است.

پس از اینکه بیوولف از شیوه بیانی به نوشتاری تبدیل شد، نماد حیوانی مسیحی مشاهده شده است، و در مورد اژدهای حیوانی، مدلول شر یا شیطان در مسیحیت و یا به گناه انسان اشاره دارد. مشابه تصاویری از گرگ، اژدها، گوزن نیز در بیوولف استفاده می شود. یکی دیگر از نماد حیوانات مندرج در بیوولف کلاغ سیاه است. کلاغ پرنده ای در افسانه ها و روایات قومی سلتیک است که محافظ رزمندگان و قهرمانان است. این رقم مهم سلتیک است، اما دوسوگرا به عنوان یاور از یک سو و ارتباط با مرگ و الهه کلاغ سیاه در ارتباط با الهه مونث جنگ است، و ویژگی های به عنوان یاور و، کلاغ پر برکت که دارای یک تابع سه برابر عنوان جنگ، سازنده و نبوت به عنوان مثال نمونه ای از عرفان حیوانی در بیوولف زنانه است. کلاغ سیاه نیز با پیشگویی در نبوت ارتباط دارد. که با قو در نمادگرایی خورشید همراه، و با کبوتر خانه به عنوان نماد یک خانه است. این احتمالاً قبل از سلتیک نیز بوده است. کلاغ سیاه نماد جنگ، خونریزی، و شرارت است (روثفورد<sup>۹</sup>، ۱۹۹۳، ۶۱).

۱. Fulk

۲. Harris

۳. Beebeo

۴. Beowa

۵. Orchard

۶. Beow

۷. Beowa

۸. Orchard

۹. Rutherford

موریگان به عنوان یک الهه کلاغ سیاه نظارت میدان جنگ را بر عهده دارد و بدن یک کلاغ سیاه را دارد. و لوگ<sup>۲</sup> یا لوگوس<sup>۳</sup>، که دارای دو کلاغ سیاه سحر و جادو خدای کلاغ همه جانبه است همانند اودین<sup>۴</sup> یا وودین<sup>۵</sup> افسانه های اسکاندیناوی است. در بیولف ممکن است آن را اظهار داشت که کلاغ سیاه به عنوان خدای پیشگویی است که هم به عنوان نماد سلتیک و توتن در نظر گرفته میشود. مشابه به تصویر کلاغ سیاه، عکس از گراز و یا به عبارت دیگر گاو نر از اهمیت بسیاری در بیولف برخوردار است. بیولف نشأت گرفته از سبک زندگی قبل از مسیحیت و مذهب است، از این رو زمینه و ساختار بیولف است که به شدت تحت تاثیر قرار گرفته و از طریق سیستم های باور سلتیک و آلمانی، و ادبیات توتن ها شکل گرفته است. نورا چادویک<sup>۶</sup> ما را متوجه این واقعیت میسازد که گاو نر و گراز نماد قدرت و نیرومندی در سیستم باور سلتیک است (چادویک، ۱۹۷۴، ۱۶۱-۱۵۳).

### نتیجه گیری

ماجرای بیولف نمادی از قرن ششم دانمارک است و آداب و رسوم و کفن و دفنی که در حماسه شرح داده شده توسط باستان شناسان تایید شده است. در زیر این حقایق تاریخی قرن ششم دانمارک، عرفان شگفت انگیزی پنهان است که با عرفان و اصول اخلاقی پیشین پیوند زده شده است. بیولف به بسیاری از افکار عرفانی در مورد مرگ و رسیدن به حضور خدا اشاره میکند. در مواجهه با چالش های زندگی و پذیرش مرگ شجاعانه هر دو ایده های مذهبی امروزی و پیشین است. چرا مادر گرنل تصمیم به مبارزه با بیولف گرفت؟ با در نظر گرفتن این عقیده قهرمانان برای مبارزه دنبال ثروت بوده اند. آیا این شجاعت و مسئولیت است که برای آنها بیشتر از هر ثروت و گنجی دیگر ارزش دارد؟ آیا جنسیت یک عامل اساسی برای شهرت و مبارزه زنانه که عاقبت فاجعه شد، است؟ آیا در هر جنگی پیروزی و خونریزی همانند خوب و بد در کنار یکدیگر وجود دارد؟ و مرگ پادشاه درس دیگری از حکمت برای آنهاست. نفرت، از خود راندن را به وجود می آورد. خشم، نابودی و حرص و آزار ایجاد میکند. هر دوی این ملاحظات تا حدی واقعی هستند. یکی از دلایل پایدار محبوبیت بیولف هم در دوره آنگلو ساکسون و هم در امروز، مرگ قهرمانانه اوست که مربوط به همه نسل هاست. در بیولف از نظر ویگلاف<sup>۷</sup> شرم همیشگی از آن افراد بزدل است. برای یک قهرمان مرگ، بهتر از زندگی همراه با رسوایی است. در جهان بیولف نیک نامی کلید جاودانگی است. سخنرانی شاه هورتگر در بیولف این را به یاد می آورد که کردار نیک است که بعد از مرگ می ماند. قهرمان آنگلو ساکسون بر سر غلبه می کند.

۱. Morrigan

۲. Lugh

۳. Lugos

۴. odin

۵. Woden

۶. Chadwick, Nora

۷. Wiglaf

## منابع

حاتم پور، شبنم (۱۳۸۸). حماسه های بزرگ قهرمانان آسیب پذیر، چاپ اول، انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی شوشتر.

شمیسا، سیروس (۱۳۸۹). انواع ادبی، چاپ چهارم، تهران، انتشارات میترا.  
منصور نژاد، م. (۱۳۸۱). «مسأله زن، اسلام و فمینیسم»، تهران، برگ زیتون.

Battaglia, F. (1991). The Germanic earth goddess in Beowulf, *Mankind Q.*XXXI:4, p:415-446.

Birren, F. (1988). *The Symbolism of Color*. New Jersey: Citadel Press, P: 11.

Carr Porter, D. (2001). *The Social Centrality of Women in Beowulf*, Western Michigan University, *The Heroic Age Issue 5*, p:5.

Chadwick, N. (1974). *The Celts*. Auckland: Penguin Books, P:153-161.

Donaldson, E. T. (2002). *Beowulf*. Ed. Nicholas Howe. New York: W.W. Norton & Company, P: 12-13.

Encyclopedia Britannica Macropaedia. (1943). Vol.12, William Benton publisher, P:786.

Fulk, R. D. & Harris, J. (2002). *Beowulf: Beowulf's Name*. London: Norton & Company, P:18.

Hopper, V. F. (1969). *Medieval Number Symbolism*. New York: Cooper Square Publishers, P: 45.

Kendrick, T. D. (1994). *The Druids*. Middlesex: Tiger Books, P:100.

Kierman, K. S. (1984). "Grendel's Heroic Mother," In *Geardagum 4*, P:13-33.

Klaeber, F. (1922). "Beowulf and the Fight at Finnsburg," 2<sup>nd</sup> ed. Boston: DC. Heath & Co. Publishers, P:15.

Maslow, A. H. (1943). *Psychological Review 50* (vol.4) "A Theory of Human Motivations". P: 370-96

Orchard, A. (2003). *A Critical Companion to Beowulf*. Cambridge: Brewer, P:103.

Overing, G. R. (1990). "Language, sign and Gender in Beowulf" Publisher: Southern Illinois University Press; 1st edition, p:219.

Rutherford, W. (1993). *Celtic Lore*. Badmin: Harper Collins Publishers, P:61.

Underhill, E. (1922). *mysticism, a study of nature and development of man's consciousness*, 9<sup>th</sup> edition, London: Methuen com. Limited, P:4.

Walter T. S. (1960). *The Teachings of the Mystics*. New York: The New American Library of World Literature, p:240.

Weil, S., Wills, A., Thibon, G. (1997). *Gravity and Grace* 236 pages Publisher: Bison Books, P: 11.

## A CRITICAL ANALYSIS AND MYSTICAL INTERPRETATION OF THE ROLE OF WOMEN IN THE FIRST ENGLISH EPIC "BEOWULF"

P. VK \*

### Abstract

Beowulf is the first known English epic which preserves the history, myth, culture and some basic human values of people from the past and present, though Beowulf is often considered as the archetypal of an Anglo-Saxon literary work depicting the pagan life of the Scandinavians. But a close analysis of their culture presents another perspective of history. Some epic characters even elevate themselves to mystical levels of honor and bliss. The purpose of this study was to trace and pinpoint how the Beowulf's poet attributed ethical thoughts and motives and intervened the mystical nature of religion into the pagan life of women. The research focused its attention on the way the Beowulf poet interweaved the life of the women characters and mystical values beyond all religious restrictions and fused them into the basic structure of the epic, Beowulf.

**Keywords:** mysticism, epic, Beowulf, women characters

---

\*Department of English, Ahvaz Branch, Islamic Azad University, Ahvaz, Iran